



نگاهی نقادانه به نحوه تصویب و مواد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

لیا وقاری^۱، علیرضا بیگی بارانی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تبریز

۲- وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای دادگستری

چکیده

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در قالب طرح دو فوریتی در جلسه علنی روز سه شنبه ۹۹/۰۲/۲۳ تصویب شد و طی نامه شماره ۲۸۷۵۷ مورخ ۹۹/۰۳/۲۲ از سوی رییس جمهور ابلاغ گردید. مجلس دوره دهم شورای اسلامی در شرایطی اقدام به تصویب این قانون نمود که تنها یک هفته تا پایان دوره دهم مجلس شورای اسلامی و شروع به کار دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی مانده بود. دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در تاریخ هفتم خرداد ۱۳۹۹ رسماً شروع به کار کرد که حتی ابلاغ این قانون در زمان شروع به کار مجلس یازدهم صورت گرفت. دلیل این شتابزدگی و عجله مجلس دهم برای تصویب این قانون چه بوده است؟ آیا بهتر نبود قانون گزار جمهوری اسلامی ایران تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را به لحاظ مبتلا به بودن و حساسیت موضوع به مجلس آینده که فرصت بررسی بیشتری داشته است میسپرد؟ پژوهش حاضر با نگاهی نقادانه به روند تصویب و مواد این قانون به روش کتابخانه ای، در پی ارائه ی پیشنهاداتی جهت اصلاح این قانون میباشد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری همانطور که از نامش پیداست رسالتی جز کاهش مجازات حبس تعزیری ندارد اما با مواردی در این قانون مواجه میشویم که به کاهش سایر مجازات ها پرداخته است و آنها را نیز تحت شمول قرار داده است و یا حتی در مواردی نیز به افزایش میزان مجازات ها پرداخته است که کاملاً با رسالت این قانون در تضاد است و همگی نشان از شتابزدگی تصویب این قانون دارد.

واژگان کلیدی: قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، نقد قانون کاهش، قانون مجازات اسلامی، حقوق جزا



مقدمه

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به عنوان یک قانون جدید التصویب که در زمانی اندک توسط مجلس محترم شورای اسلامی تصویب گردیده است به جهت اهمیت این قانون و این مهم که تصویب این قانون در حال زندانیان به جهت تخفیفی بودن و به نفع بودن، بسیار از اهمیت بالایی برخوردار است و ورود به یک دوره مهم از قانون گذاری تلقی می شود پژوهش حاضر با نگاهی نقادانه به نحوه تصویب و مواد قانون اخیر الاشاره در پی ارائه پیشنهادهای جهت اصلاح این قانون بر آمده است.

روش تحقیق

در این پژوهش به روش کتابخانه ای و با مراجعه به منابع معتبر کتابخانه ای و اینترنتی به جمع آوری اطلاعات پرداخته شده است.

یافته ها

در بند ج ماده اول قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قانون گزار به اصلاح مجازات موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی پرداخته و آن را به جزای نقدی درجه ۶ تبدیل کرده است.

ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می داشت: « هر کس به وسیله ی اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله ی دیگر به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب میشود و نتواند صحت آن را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن ها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

همانطور که گفته شد مجازات سابق این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یک ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها بود که به موجب بند ج ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصلاح گردیده و مجازات آن به جزای نقدی درجه ۶ یعنی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال تبدیل شده است قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رویکرد کاهش، با حذف کامل مجازات حبس این جرم در پی تبدیل کامل مجازات آن به جزای نقدی بر آمده است اما این رویکرد کاهش با ایراد جدی روبرو است. با مراجعه به ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: « هر کس با توجه به سمت، یکی از روسای سه قوه یا معاونان رییس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان



مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی یا شهرداری ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به یک و نیم تا سه ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

در قانون قبلی مجازات این ماده ۳ تا ۶ ماه حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی بود که با اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به یک و نیم تا سه ماه حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی تبدیل شده است با عنایت به اینکه جرم موضوع ماده ۶۰۹ برابر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری جزو جرایم قابل گذشت می باشد که با اعمال تبصره ی ماده ۱۱ قانون کاهش که مقرر می دارد: «حداقل و حداکثر مجازاتهای حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد.» بنابر این با اعمال این تبصره مجازات مقرر در ماده ۶۰۹ از یک و نیم ماه تا سه ماه حبس می باشد که با توجه به قاعده ی مجازاتهای جایگزین حبس، نظر به اینکه میزان مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز حبس است در صورت تعیین مجازات حبس برای این جرم دادگاه ناچار باید مجازات جایگزین حبس حکم نماید، لازم به توضیح که سایر مجازاتهای مقرر در این ماده من جمله شلاق و جزای نقدی کمای قانون قبلی می باشد و هیچ تغییری صورت نگرفته است.

ایراد مهمی که در این خصوص به نظر میرسد این است که اولاً جزای نقدی در نظر گرفته شده برای جرم توهین به افراد عادی موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی برابر بند ج ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، جزای نقدی درجه شش معادل بیست میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال می باشد این در حالی است که جزای نقدی در نظر گرفته شده برای توهین به افراد مسئول پنجاه هزار تا یک میلیون ریال می باشد به عبارت دیگر برابر اصلاحات صورت گرفته میزان جزای نقدی در نظر گرفته شده برای جرم توهین به افراد عادی بسیار بیشتر از میزان در نظر گرفته شده برای توهین به افراد مسئول می باشد که این از نظر نگارنده ایراد بزرگی برای قانون گزار جمهوری اسلامی است چه بسا جرم توهین به افراد مسئول مهم تر و باید مجازات به مراتب سنگین تری از جرم توهین به افراد عادی در نظر گرفته میشد. متأسفانه قانون گزار جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به این مهم بی توجه بوده و شتابزدگی در تصویب آن به وضوح حس میشود.

همانطور که گفته شد مجازات حبس در نظر گرفته شده برای جرم توهین به مسئولان موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی با اصلاحات صورت گرفته در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به میزان یک و نیم تا سه ماه حبس تقلیل یافته که قاضی برابر قاعده مجازاتهای جایگزین حبس، مکلف به حکم به مجازات های جایگزین حبس می باشد این در حالی است که مجازات حبس در نظر گرفته شده توسط قانون گزار جمهوری اسلامی ایران برابر بند ج ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به کلی حذف گردیده است، این شبهه در ذهن ایجاد میشود قانون گزار جمهوری اسلامی ایران چگونه در خصوص جزای نقدی، مقرر ای سنگین تری برای جرم توهین به اشخاص عادی نسبت به جرم توهین به



مسئولان در نظر گرفته است در حالی که در خصوص حبس برعکس عمل کرده و حبس مقرر در ماده ۶۹۷ را به کلی حذف کرده است؟

شبهه دیگر این که با اعمال قاعده ی جایگزین های حبس، حبس اندک مقرر در ماده ۶۰۹ نیز تبدیل به سایر مجازاتهای جایگزین حبس میشود و عملاً مجرم متحمل هیچ حبسی نخواهد شد. با مقایسه مجازاتهای موضوع جرایم ماده ۶۹۷ و ۶۰۹ با اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، با در نظر گرفتن جمیع موارد بالا، مجازات در نظر گرفته شده برای جرم توهین به افراد عادی از مجازات در نظر گرفته شده برای جرم توهین به مسئولان موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی سنگین تر میباشد، سوال اینجاست آیا شایسته نیست مجازات توهین به سردمداران و حاکمان یک جامعه از مجازات توهین به افراد عادی سنگین تر باشد؟

مثالی دیگر از ایرادات مهم قانون گذاری اینکه برابر ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی که مقرر میدارد: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» همانطور که بیان شد مجازات در نظر گرفته شده برای جرم قطع درختان میزان ۶ ماه تا ۳ سال حبس میباشد این در حالی است که برابر ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، اصلاحی توسط بند الف ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری: «هر کس عامداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا متهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه ۶ محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.

تبصره- در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.»

به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات این ماده به حبس درجه ۶ یعنی شش ماه تا دو سال حبس تقلیل یافته است اما مجازات تبصره کماکان همان است و هیچ تغییری نیافته است.

مایه ی تعجب، حیرت و تاسف است که مجازات جرم قطع درختان از ایراد ضرب و جرح عمدی سنگین تر است. همانطور که بیان شد مجازات قطع درختان موضوع ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی ۶ ماه تا ۳ سال حبس می باشد این در حالی است که میزان مجازات ضرب و جرح عمدی برابر ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی بند الف ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری حبس درجه شش (۶ ماه تا ۲ سال) می باشد بار دیگر ضعف قانون گذاری و شتابزدگی در تصویب قانون کاملاً مشهود است.



این قانون بر خلاف فلسفه تصویب آن به جای رویکرد کاهش در بند چ ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به تشدید مجازات پرداخته است. بند چ ماده یک این قانون مجازات موضوع ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات را در باب توهین به جزای نقدی درجه ۶ تبدیل کرده است در حالی که در قانون سابق اساساً هیچ مجازات حبسی متوجه مرتکب این جرم نبود که حال با قانون کاهش حبس تعزیری، کاهش یابد. در واقع این قانون علاوه بر کاهش حبس تعزیری به کاهش سایر مجازاتها نیز در مواردی پرداخته است.

در ادامه به بررسی ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و بیان ایرادات آن می پردازیم. به طور کلی رسالت حقوق جزا، حداقلی بودن مجازاتها و رعایت حال مجرم می باشد. مجازات بسیار تلخ، زجر آور، ملال آور و خرد کننده است و باید در مجازات افراد بخل به خرج دهیم، قاعده درء هم در همین راستا می باشد. مجازات افراد باید مبتنی بر دقت و بر اساس قاعده ی حداقلی بودن مجازات باشد و این موارد باید در تمام مراحل رعایت شود حتی در مرحله ی جرم انگاری و مجازات انگاری.

برابر ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که مقرر میدارد:

« یک تبصره به شرح زیر به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی الحاق می شود: تبصره - چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند باید مبتنی بر بند های مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می باشد. »

این تبصره از طرفی بسیار سازنده و موثر می باشد و در راستای اصل حداقلی حقوق جزا و رعایت حال مجرم تصویب شده است اما از منظر دیگر ایرادات قانون گزاری مجدداً در آن مشهود است. این تبصره فقط در خصوص مواردی می باشد که مجازات آن دارای حداقل باشند و چنانچه جرمی دارای مجازاتی باشد که فاقد حداقل است و به بیان دیگر صرفاً دارای حداکثر یا دارای یک مجازات ثابت است نمی گردد. برای مثال مجازات موضوع ماده ۶۸۸ کتاب تعزیرات، تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است حال چگونه میتوان تبصره ی ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی را در این خصوص اعمال کرد؟

آیا باید گفت در راستای اعمال ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قاضی بدون وجود جهات مقرر در بندهای ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مکلف به حکم به یک روز حبس می باشد؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت با عنایت به نظریه شماره ۷/۹۹/۴۶۰ مورخ ۱۱۳۹۹/۴/۲۸ اداره حقوق قوه قضاییه: «فرض استعلام به لحاظ نداشتن حداقل مجازات حبس در قانون از شمول ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ خارج است.»



بنابر این قاضی تکلیفی به حکم به یک روز حبس در چنین مواردی ندارد . شایسته بود قانون گزار با اعمال تفکیک بین جرایم که مجازاتی ثابت ، مجازاتی صرفا دارای حداکثر و جرایمی که مجازاتشان هم دارای حداقل و هم دارای حداکثر میباشد با حوصله بیشتر و به دور از عجله به قانون گذاری مبادرت می نمود.

سوال دیگری که در این خصوص مطرح میشود این است که آیا تبصره ماده ۱۸ حقی را برای محکوم علیه به وجود آورده است ؟ به بیان دیگر آیا محکوم علیه خودش میتواند از قاضی در خصوص اینکه چرا مجازاتی بیش از حداقل حکم نموده است سوال کند یا اعتراض داشته باشد ؟

قانون گزار در قانون کاهش مجازات اسلامی برای تخلف از تبصره ی ماده ۱۸ برای قضات دادگستری ضمانت اجرا تبیین نموده است اما هیچ حقی برای متهم قائل نشده است و سازو کار نحوه ی اعتراض را مشخص ننموده است و با شتابزدگی هرچه تمام تر نسبت به تصویب قانون ناقص مبادرت نموده است .

برابر قاعده ی (التعزیر بما یراه الحاکم) قاضی موظف است در محدوده ی حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی انتخاب مجازات نماید که این مقرر قانون کاهش در تضاد آشکار با این قاعده ی فقهی می باشد چه اینکه در نظر گرفتن ضمانت اجرا برا قاضی که به بیش از حداقل مجازات مقرر حکم نموده است چه دردی را از مردم دوا میکند ؟ به عقیده ی نگارنده این مقرر تالی فاسدی دارد و آن این است که در نظر گرفتن ضمانت اجرا بدون پیش بینی ساز و کاری برای دفاع و اعتراض به حکم مجازات بیش از حداقل مجازات ، جز افزایش ورودی پرونده های انتظامی علیه قضات دادگستری نتیجه ای در پی نخواهد داشت .

برابر ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای مجازات معاون جرم باید در ابتدابه شرع سپس به قوانین خاص و در مرحله آخر به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مراجعه کنیم .

ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر میداشت : « در صورتی که در شرع یا قانون مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد ، مجازات وی به شرح زیر است ... »

ماده ۱۲۷ اصلاحی مقرر میدارد : « در صورتی که در شرع مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد مجازات وی به شرح زیر است ... »

همانگونه که بیان شد عبارت « یا قانون » از صدر ماده ۱۲۷ حذف شده است و شبهه ای که مطرح میشود این است که آیا به موجب این قانون تمام مواردی که در سایر قوانین خاص مجازاتی برای معاونین در نظر گرفته شده است به طور ضمنی نسخ گردیده است و همگی به طور یکپارچه مشمول ماده ۱۲۷ گردیده است مگر در خصوص مواردی که در شرع مقدس برای آن مجازات تعیین شده باشد؟

سوال اینجاست چرا قانون گزار عبارت « یا قانون » را از این ماده حذف نموده است ؟ چرا قانون گذاری مراجعه به قوانین



خاص را نادیده گرفته است؟ اگر مراد قانون گزار نسخ سایر قوانین در این خصوص میباشد چرا صراحتاً به بیان آن پرداخته کما اینکه در خصوص تخفیف صراحتاً به نسخ سایر قوانین و مواد مرتبط با تخفیف پرداخته و به صورت یکپارچه همه را مشمول ماده ۳۷ دانسته است. حال قانون گزار با کدام منطق و به چه منظور به حذف این عبارت از صدر ماده ۱۲۷ پرداخته است؟

اگر قصد نسخ سایر قوانین را نداشته پس به چه علت برخلاف اصل ۱۶۷ ام قانون اساسی که مقرر میدارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» عمل نموده است؟

لذا اساساً این مقرر با روح قانون اساسی همخوانی نداشته و حذف عبارت «یا قانون» از صدر این ماده از نظر نگارنده نادیده گرفتن قوانین مدونه مقرر در اصل ۱۶۷ قانون اساسی است..

در ادامه پژوهش به بررسی ماده ۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می پردازیم .

قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازاتهای تکمیلی و تبعی تنها در خصوص جرایم با مجازاتهای درجه ۱ تا ۶ و جد داشت حال با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به موجب ماده ۴ این قانون مجازاتهای تکمیلی و تبعی به جرایم با مجازاتهای درجه ۷ و ۸ نیز تسری یافته است که تماماً با رسالت و هخدف قانون اخیر الذکر در تضادی آشکار است مگر نه اینکه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در صدد کاهش مجازات علی الخصوص مجازات حبس میباشد؟

این نیز ایراد دیگری است که با روح این قانون در تناقض آشکار است.

ماده ۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر میدارد: «ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۲۸ - کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرایم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزر دادگستری و تصویب هیات وزیران تعدیل و ر مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود، لازم الاجرا می گردد.»

بدیهی است تصویب قوانین بر عهده مجلس قانون گذاری می باشد نه قوه مجریه، اساساً قانون گذاری و تصویب قوانین نیز در تخصص و صلاحیت قوه مجریه نمی باشد. در موارد دیگری نیز که قانون گزار اختیار قانون گذاری را به قوای دیگر تفویض نموده نتایج مثبتی بر جای نمانده است.

برابر ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی: «میزان جریمه های نقدی مقرر در مواد این قانون متناسب با افزایش یا



کاهش تورم هر سه سال یک بار بنا به پیشنهاد نیروی انتظامی و تأیید وزارتخانه های دادگستری، کشور و راه و شهرسازی و تصویب هیأت وزیران قابل تعدیل است.»

در دی ماه سال ۱۳۹۴ به پیشنهاد نیروی انتظامی و تأیید سه وزیر هیات وزیران به تعدیل جریمه های جرایم رانندگی مستندا به ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی پرداخته است.

چطور ممکن است در سال ۹۴ که میزان نرخ تورم توسط بانک مرکز حدودا ۱۰ درصد اعلام میشد میزان جریمه ها تا حدود ۴ برابر افزایش داشت؟

با اعتراض صورت گرفته نسبت به این مصوبه هیات وزیران، وکلای محترم دادگستری آقایان یوسفی و سلطانی خواستار ابطال این مصوبه از دیوان عدالت اداری شدند که منجر به نتیجه شد و هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۷ مصوبه هیات وزیران را لغو نمود اما هیات محترم وزیران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ به تجدید مصوبه خود با تغییرات اندک پرداخت و به همه ی واحد ها نیز ابلاغ نمود.

باتوجه به موارد ذکر شده از نظر نگارنده اعمال جریمه و قانون گذاری توسط نهاد مجری صحیح نیست و به نفع مردم نمی باشد. پیشنهاد نگارنده در این خصوص درخواست از هیات محترم وزیران جهت ارسال لایحه در این خصوص به مجلس شورای اسلامی و تصویب آن توسط مجلس می باشد در اکثر مواردی که تفویض اختیار توسط مجلس محترم شورای اسلامی به هیات وزیران به نفع مردم تمام نشده است.

نکته حائز اهمیت بعدی این است که برابر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری جرایم مهم و مخربی چون سرقت، جعل و کلاهبرداری در زمره ی جرایم قابل گذشت قرار گرفته است که از نظر جرم شناسی بسیار خطرناک می باشد، چه بسا اینچنین جرایمی و قابل گذشت شمردن آنها و در نظر نگرفتن مجازات عمومی برای آن میتواند موجبات تکرار و تشدید این جرایم را در سطح جامعه فراهم کند و یا برابر همین قانون جرم مخرب و غیر اخلاقی سقط جنین، دیگر مثالی است که برابر همین ماده به عنوان جرم قابل گذشت شناخته شده که میتواند بنیان خانواده را به عنوان مهم ترین و اساسی ترین واحد اجتماع تهدید کند.

قلمداد کردن جرم توهین به مامورین دولتی به عنوان جرم قابل گذشت به نوعی سلب حمایت حاکمیت و قانون از مامورین است که میتواند آثار سو و بی نظمی فراوانی را به دنبال داشته باشد. به راستی منطق قانون گزار برای قابل گذشت شمردن این قبیل جرایم چه بوده است؟ برابر ماده ۲۰ لایحه ی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توهین به وکیل دادگستری جزء جرایم غیر قابل گذشت میباشد این در حالی است که توهین به قاضی دادگاه جزء جرایم قابل گذشت می باشد حال اینکه در فرضی که در جلسه ی دادگاهی توهین همزمانی به وکیل و قاضی در جلسه دادرسی صورت گیرد، در این حالت قاضی موظف است در جلسه به لحاظ غیر قابل گذشت بودن جرم توهین به وکیل دادگستری علیه مجرم اعلام جرم کند اما در خصوص خود به جهت قابل گذشت بودن و نیاز به شاکی خصوصی، طرح



بحث و نتیجه گیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در قالب طرح دو فوریتی در شرایطی تصویب شده است که تنها یک هفته تا اتمام کار مجلس دهم فرصت باقی بوده است. برابرماده ۱۵۶ و ۱۶۱ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی طرح ها زمانی دو فوریتی می شوند که بیم فوت فرصت و وقوع خسارت وجود داشته و این امر مستلزم سرعت فوق العاده بالایی باشد. ابهامی که مطرح است این است در زمانی که تنها ۱ هفته تا پایان کار مجلس باقی مانده چه لزومی داشت این قانون در قالب طرح دو فوریتی مطرح شود؟

به راستی چه خسارتی و یا چه خطری متوجه حاکمیت بود که این قانون حساس در قالب طرح دو فوریتی تنها در حدود یک هفته تصویب شد؟

انتظار میرفت مجلس محترم دوره دهم به جای تصویب قانونی ناقص و شتابزده تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را به لحاظ اهمیت آن به مجلس دوره بعدی واگذار میکرد تا در فرصتی فراخ تر و دقت نظر بیشتر به تصویب آن پرداخته می شد. لازم به توضیح که رسالت حقوق جزا و حقوق کیفری در راستای حمایت از متهم و به نفع متهم با رویکردی کاهش و حداقلی باشد اما نباید فراموش کرد زیاده روی در کاهش مجازات و به ویژه مجازات حبس موجب کاهش اثر بازدارندگی می شود. به مرور در جامعه ای که میزان مجازات قطع درختان از مجازات ضرب و جرح عمدی نسبت به اشخاص سنگین تر است شاهد جرایمی از این قبیل به دلیل اثر بازدارندگی ضعیف خواهیم بود. به طور کلی حبس زدایی سیاست سازنده ای است اما نه به هر قیمتی.



- منابع انتهای مقاله:

- ۱- اردبیلی-محمدعلی-۱۳۷۷- حقوق جزای عمومی- تهران- نشر میزان
- ۲- الهام - غلامحسین و برهانی - محسن -۱۳۹۳- در آمدی بر حقوق جزای عمومی ،،جلد دوم ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات میزان
- ۳- آشوری ، محمد و ابوالقاسم خدادادی ، « حقوق بنیادین بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری » ،آموزه های حقوق کیفری ۲ ، ۱۳۹۰- ۳۶-۳
- ۴- میرمحمد صادقی ، حسین ، جرایم علیه اموال و مالکیت ، تهران ،نشر میزان ، ۱۳۹۹)
- ۵ حیدری، پوریا ،نکته ها در حقوق جزا، تهران ، نشر چتر دانش